

کودک آزاری در جمهوری اسلامی جرم نیست !!

آرش

کمانگر

شورای نگهبان ، اخیرا لایحه مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد جلوگیری از شکنجه و کتک کاری کودکان توسط والدین و بستگانشان را بدلیل مغایرت آن با شرع و قانون اساسی و از جمله ضدیت آن با « قانون مجازات اسلامی » رد نمود . نماینده گان مجلس در واکنش به این مسئله ، اصلاحات چندی را بر لایحه مذکور وارد نمودند تا رضایت خاطر شورای نگهبان را جلب کنند . هفته گذشته این لایحه سر و دم بریده و کم تاثیر به شورای نگهبان ارسال شد تا مورد تصویب قرار گیرد . یکی از عقب نشینی های مهمی که در لایحه اصلاح شده صورت گرفته ، انطباق آن با قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ است که به موجب آن ، تنبیه کودکان در حد « متعارف » !! توسط بستگان آنها چنانچه برای تربیت شان مفید تشخیص داده شوند ، جایز شمرده شده است . معنای روشن این تبصره رسمیت دادن به کودک آزاری و کتک زدن بچه هاست ، پدیده زشت و غیرمتمدانه ای که روزی نیست در گوشه و کنار کشور فاجعه نیافریند . اصولا بدلیل گسترش بیسابقه شکنجه ، آزار و قتل کودکان در سالهای اخیر و اعتراضات پی در پی انسانهای ترقیخواه و نهادهای مدنی همچون : انجمن حمایت از حقوق کودک در ایران بوده که مجلس ششم ناگزیرشده با تاخیر زیاد و پس از وقوع فجایع فراوان ، لایحه نیم بندی را به تصویب رساند که با توجه به سازش اخیر برای جلب رضایت مرتجعین محافظه کار و پدرسالار شورای نگهبان ، بنظر نرسد منشا تحول چندانی در برخورد با ناهنجاری مذکور باشد . این در حالیستکه امروزه در بسیاری از کشورها ، همه اشکال کودک آزاری و از جمله تنبیه بدنی آنها جرم محسوب میشود و خاطیان مورد تعقیب و بازخواست قرار میگیرند . در چنین جوامعی از طریق مدارس و نیز رسانه های ارتباط جمعی ، ضمن آشناکردن کودکان به حقوق خود ، به

بزرگسالان و از جمله به والدین آنها می آموزند که تنبیه و شکنجه روحی و جسمی کودکان ، نه تنها تاثیر مثبتی بر تربیت و اخلاق آنها بجای نمی گذارد ، بلکه به بازتولید خشونت در جامعه کمک میکند و دستاوردی جز رشد ناهنجاریهای فردی و اجتماعی ندارد . در ایران اما ، به چند دلیل ما شاهد شیوع گسترده کودک آزاری و فاصله اکثریت جامعه از شیوه های علمی و انسانی تعلیم و تربیت هستیم . **فخست** اینکه مردم ما در زیر سایه رژیمی زندگی میکنند که خود بزرگترین تولیدکننده و حامی خشونت و سرکوب است . توحش ناشی از استبداد لجام گسیخته سیاسی و مذهبی چرخه خشونت را مداوماً به حرکت درمیآورد و سیستماتیک وار بر روان و اعصاب مردم سوهان می کشد . ماحصل این خشونت دولتی ، جامعه ای خفقان زده و بیمار خواهد بود که هیچگاه در شرایط پایدار دمکراتیک نزیسته و با راه و رسم شیوه های مترقی و دمکراتیک تعلیم و تربیت آشنا نیست . **دوم** اینکه فلاکت اقتصادی موجود و فقر و فاقه اکثریت مردم سبب می شود که تلاش برای معاش به جنگی خردکننده و پایان ناپذیر تبدیل گردد . در چنین اقتصادی نه تنها روح و جسم زحمتکشان در زندگی چند شغله آسیب می بیند ، بلکه علیرغم این دونده گی ، اغلب آنها کماکان قادر به رفع حوائج ابتدایی خانواده و فرزندان خود نیستند، فشار مداوم ناشی از این محرومیت ، سبب بروز انواع ناهنجاریها در والدین و کودکان میشود . به همین خاطر است که بدون تامین محیط کار و زیست سالم و انسانی ، نمیتوان شاهد رشد طبیعی کودکان و رفتار درست والدین در قبال آنها بود . **سوم** اینکه تربیت کودک يك علم است و میتوان و باید آنرا فرا گرفت . آموزش مداوم مردم از طرق مختلف و معرفی تجارب مثبت دیگر کشورها ، نقش زیادی برای ارتقای آگاهیهای علمی و تربیتی والدین ایفا میکند . در این راستا دثلا میتوان به تجربه مثبت لغو تنبیهات بدنی و به فلك بستن دانش آموزان در مدارس سی سال پیش ایران اشاره نمود ، شکنجه های وحشیانه ای که بجای ترغیب محصلین به درس ، سبب گریزان شدن بیشتر آنها میشد. این تجربه و دیگر تجارب مثبت باید دائماً از طرق مختلف و از جمله رسانه های عمومی مورد ترویج قرار گیرند . در این میان مردم و نهادهای جامعه مدنی ، سهم به سزایی در خنثی سازی فرهنگ خشونت که مداوماً توسط دولت و مذهب حاکم و نیز سنتهای عقب مانده مردسالارانه و پدرسالارانه پمپاژ می شوند ، ایفا

میکنند . دفاع قاطع از « کنوانسیون بین المللی حقوق کودک » که جمهوری اسلامی نیز چند سال پیش مزورانه آنرا امضا کرده و مبارزه برای لغو بی قید و شرط همه اشکال آزار و تنبیه و شکنجه روحی و جسمی کودکان و بالاخره مبارزه برای جامعه ای سالم ، آزاد ، آباد و مدرن باید به کارزار ثابت همه نیروها و افراد مترقی تبدیل شود . بدون چنین مبارزه ای ، باز هم باید شاهد پرپرشدن و مثله شدن کودکان آینده ساز این کشور باشیم .